

اثربخشی الگوی کارکرد خانواده(مک مستر) بر صمیمیت زناشویی زوجین

ناهید کریمی^۱، وحیده باباخانی^۲، دکتر مجتبی امیری مجد^۳

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش الگوی کارکرد خانواده(مک مستر) بر صمیمیت زناشویی زوجین انجام شد. روش پژوهش نیمه تجربی از نوع طرح گروه کنترل نابرابر بود. بدین منظور از بین کلیه زوجین مراجعه کننده به کلینیک مددکاری اجتماعی ایران در سال ۹۳ (۱۰۰ زوج)؛ ۳۰ زوج که دارای شرایط مورد نظر پژوهشگر بودند با روش نمونه گیری با انتخاب و جایگزینی تصادفی ساده بعنوان نمونه پژوهش انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. سپس گروه آزمایش طی ۱۰ جلسه ۹۰-۱۲۰ دقیقه ای تحت تأثیر متغیر مستقل قرار گرفت، پرسشنامه صمیمیت زناشویی بعنوان ابزار پژوهش در مورد هر دو گروه، قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل و همچنین ۲ ماه پس از

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، اهر- ایران Karimin.Scholar@gmail.com

۲ دانشگاه آزاد واحد اهر، گروه روانشناسی، اهر- ایران Vahideh_Babakhan@yahoo.com

۳ استادیار دانشگاه آزاد واحد اهر، گروه روانشناسی، اهر- ایران Amirimajd@yahoo.com

پایان جلسات آموزشی مورد استفاده قرار گرفت. در پایان اطلاعات بدست آمده با استفاده از آزمون تعقیبی بونفرونی و تحلیل واریانس با اندازه های مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین میانگین نمرات دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که الگوی کارکرد خانواده(مک مستر) بر افزایش میزان صمیمیت زناشویی زوجین مؤثر بوده است؛ و این تأثیر در طی زمان دارای پایداری اثر است. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌توان گفت الگوی کارکرد خانواده(مک مستر) می‌تواند به عنوان یک روش درمانی و آموزشی از سوی مشاوران و درمانگران خانواده در جهت بهبود روابط زوجین مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: کارکرد خانواده، الگوی مک مستر، صمیمیت زناشویی

مقدمه

نیازهای ذاتی و جهان شمولی چون صمیمیت (Intimacy)، روابط جنسی، دوست داشتن و دوست داشته شدن، سرسپردگی، کسب امنیت از طریق توجه و حضور یک همراه و ... انسان های بالغ را به یافتن یک همراه مناسب دعوت می کند. به استثنای مواردی معدود، پیوندجویی با دیگران به طور عام (در روابط اجتماعی) و یا یک همراه غالباً مادام العمر به طور خاص (در روابط زناشویی)، گرایش ذاتی همه انسانهاست. حضور دو فرد در یک رابطه عاطفی مشترک را تحت عنوان یک زوج تلقی می کنیم که پیکره خانواده به شمار می آیند (هاروی، ۲۰۰۵). خانواده کانون مهر، محبت و تربیت و مبنای شکل گیری زندگی اجتماعی انسان هاست (مسموعی، معین و غیائی، ۱۳۹۰) و بعنوان یک گروه اجتماعی در برگیرنده بیش ترین، عمیق ترین و اساسی ترین مناسبات انسانی است که امروزه براساس اصول و هنجارهایی ویژه شکل می گیرد و حفظ و ارتقای آن از ارزشی بسیار برخوردار است؛ چراکه هرگونه تزلزل و سستی در روابط و یا وجود یک ازدواج ناموفق علاوه بر آن که آرامش روانی زوجین را مختل می کند و افسردگی و اضطراب را می افزاید، بقا و دوام خانواده را نیز در معرض تهدید قرار می دهد (ابراهیمی بیشه، ۱۳۸۸). بر این اساس در سال های اخیر کوشش های بسیاری صورت گرفته تا ثبات و کیفیت روابط زناشویی را بر اساس مفاهیم و متغیرهای مختلف مورد ارزیابی قرار دهند. یکی از این مفاهیم صمیمیت است.

صمیمیت به عنوان یکی از ارزشمندترین ابعاد وجودی انسان معرفی شده است و امری ضروری در عملکرد سالم انسان در نظر گرفته می شود. صمیمیت در روابط زناشویی به صورت الگوی رفتاری بسیار مهمی مفهوم سازی شده است که از جنبه های عاطفی - هیجانی نیرومندی برخوردار است و بر پایه پذیرش، رضایت خاطر، شناخت و رضایت زناشویی است (موسوی، ۱۳۹۲). در زندگی مشترک وقتی عشق و مهر و محبت و مشارکت عادلانه بین زوج ها حاکم باشد، صمیمیت به وجود می آید. صمیمیت در روابط زناشویی، دارای جنبه های قوی عاطفی و اجتماعی است که به پویایی و تداوم زندگی مشترک کمک فراوان می کند. جهت تأمین بهداشت روانی اعضای خانواده داشتن رابطه صمیمانه بین زوج ها، بسیار ضروری است. چرا که رابطه، همواره جایگاه خاص و مثبتی در زندگی دارد. وقتی صمیمیت بین زن و مرد برقرار باشد، آنان در برابر مشکلات فردی و اجتماعی نیز توانمند می شوند. برخی از زوجین با وجود این که یکدیگر را دوست دارند ولی به علت نبود نگرش های مشابه، تجربه و اطلاعات کافی نسبت به مسائل، پدیده ها و ... نگران شده و دچار عدم تعادل و تعارض با یکدیگر می شوند. برای ایجاد تعادل به منظور داشتن رابطه صمیمانه، نیاز است که یکی یا هر دو با افزایش آگاهی، تلاش کنند تا احساس خود را نسبت به یکدیگر یا نسبت به عوامل و پدیده های اطراف، تغییر دهند تا میان شان صمیمیت شکل بگیرد و تعارضات میانشان کاهش یابد (فریور، ۱۳۹۱).

لوتیز و همکاران (۱۹۷۶) بر این باورند که فرصت های ایجاد صمیمیت بین همسران، عنصر مهم در کارکرد بهنجار خانواده است. بنابراین کیفیت و کمیت صمیمیت بین همسران، تعیین کننده محیط و کارکرد خانواده به شمار می آید (به نقل از وارینگ، ۲۰۱۳).

به اعتقاد اریکسون (۱۹۶۳) چالش ایجاد روابط صمیمانه وظیفه اصلی اعوان بزرگسالی است (کوری و کوری، ۱۹۹۶؛ به نقل از عضو خوبان، ۱۳۸۹). صمیمیت خاطر نشان می سازد که ما قادریم بخش های مهمی از خود را با دیگران سهیم شویم. روابط صمیمانه می توانند در برگیرنده انواع صمیمیت (عاطفی، عقلانی، جسمانی، روحانی و هر نوع ترکیبی از این موارد) باشند و صمیمیت می تواند کم نظیر، معمولی، کوتاه مدت یا دیرپا باشد. در روابط صمیمانه ای که همدلی (empathetic)، صداقت، خودافشایی، اشتیاق، صراحت و وضوح گفتاری وجود دارد، افراد عموماً به شباهت هایی که با یکدیگر دارند پی برده، علاوه بر لذتی که فی نفسه از بودن در رابطه صمیمانه می برند، به پالایش روانی و تجربه حس همبستگی با دیگری نیز دست می یابند (کوری و کوری، ۱۹۹۶؛ به نقل از عضو خوبان، ۱۳۸۹). به گفته باگاروزی (Bagarozzi) (۲۰۰۱) صمیمیت نه یک تمایل گاهگاه، که نیازی است بنیادی و خاستگاهش به نیازی بنیادین تر تحت عنوان دلبستگی بر می گردد (هالفورد، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴). ایجاد و حفظ روابط صمیمانه در جریان ازدواج یک مهارت و هنر است که علاوه بر

سلامت روانی و تجارب سالم اولیه نیازمند کسب مهارت ها و انجام وظایف خاصی است (اعتمادی، ۱۳۸۶).

برای افزایش صمیمیت زوجین رویکردهای متعددی ارائه شده است که هر یک براساس تبیین های خاص خود روش های درمانی و آموزشی خاصی را ارائه داده است (اعتمادی، ۱۳۸۶). یکی از رویکردهایی که در خانواده درمانی مطرح است رویکرد سیستمی است؛ که در برخورد با اختلافات خانوادگی بر الگوهای ارتباطی خانواده و تعارض بین سلسله مراتب رقابت کننده متمرکز است (اولیاء و همکاران، ۱۳۹۰)؛ و از جمله رویکردهای تجربی که بر رویکرد سیستمی استوار است و توانایی خانواده را در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل تعارض ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای ارتباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده (پورتش و هاول (Portes & Hovel)، ۱۹۹۲)؛ به نقل از مجرد کاهانی و قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۰) مورد بررسی قرار می دهد؛ مدل مک مستر از کارکرد خانواده (McMaster Model of Family Functioning (MMFF)) است. درمان حاصل از این مدل، یعنی درمان نظام های مسئله مدار خانواده (Problem Centered Systems Therapy of Family (PCSTF)) مدل درمانی آن تلقی می شود (ریان، اپستین، کیتنر، میلر و بی شاپ، ۲۰۰۵؛ ترجمه دهقانی و عباسی، ۱۳۹۰). الگوی کارکرد خانواده از نظر اپشتاین (Opeshtain) (۱۹۸۳) بیشتر مربوط به ویژگی های خانواده و شیوه های سیستمی و مراوده های بین اعضای آن است تا مربوط به ویژگی های درون روانی یکایک اعضای خانواده؛ و شامل هفت بعد موسوم به ارتباط (communication)، درگیری عاطفی (Affective involvement)، ایفای نقش (Role Playing)، کارکرد کلی، حل مسأله (problem-solving)، همراهی عاطفی (Affective responsibility) و کنترل رفتار (Behavior Control) می باشد (به نقل از ساعتچی، کامکاری و عسکریان، ۱۳۸۹).

به نظر سیلبورن (Silborn) و همکاران (۲۰۰۶) کارکرد خانواده جنبه مهم محیط خانواده است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی اعضا خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد. در واقع آن چه درون خانواده اتفاق می افتد و چگونگی کارکرد آن می تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد (به نقل از قمری و خوشنام، ۱۳۹۰).

پژوهش های بسیاری تاکنون با هدف بررسی رابطه بین کارکرد خانواده و سایر متغیرها چون صمیمیت، سازگاری، رضایت زناشویی و ... در روابط زوجینی و روابط خانوادگی انجام شده و مورد تأیید

قرار گرفته است. به عنوان مثال، پژوهش موسوی (۲۰۱۵) نشان داد که بین سازگاری زناشویی و صمیمیت، عملکرد خانواده و سازگاری زناشویی و بین عملکرد خانواده و صمیمیت همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در پژوهشی دیگر موسوی (۱۳۹۲) نتایج نشان دادند که بین توافق زوجین، نگرش های صمیمانه و عملکرد خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین عملکرد خانواده می تواند توافق بین زوجین را به میزان ۰/۴۶ و نگرش های صمیمانه بین همسران را به میزان ۰/۲۵ پیش بینی نماید. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بهبود عملکرد خانوادگی زوجین، با افزایش میزان تفاهم و توافق بین همسران رابطه داشته، در عین حال رابطه مستقیمی با صمیمیت زوجین برقرار می کند. بابازاده (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان داد که هر قدر خانواده در اجرای کارکردهای خود عملکرد بهتری کسب نماید، به همان میزان موجب افزایش رضایت زناشویی کلی و همچنین مؤلفه های آن می شود. مطالعه کال، پاول، توبرو و هاس (۲۰۱۰) نشان داد کارکرد خانواده از قدرت پیش بینی کنندگی بالایی برای اعتماد بین اعضا برخوردار بوده و اعتماد نیز قدرت زیادی در تأثیر بر شکل گیری روابط صمیمانه بین اعضا دارد. جویس و دیگران (۲۰۰۹) در مطالعه ای دریافته اند که درک زنان در درگیری مؤثر که یکی از مقیاس های بسیار سخت از عملکرد خانواده است، از مردان بهتر است؛ اما به طور کلی بین زن و مرد از نظر کارکرد خانوادگی تفاوتی وجود ندارد. لیان و یوسف (۲۰۰۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که خانواده ای با روابط مثبت زناشویی حاکی از سهیم بودن اعضای خانواده در حل مشکلات هم و نگرانی نسبت به مسائل یکدیگر و کمی سطح نزاع های بین فردی است.

با توجه به تمامی مطالب فوق که نشان می دهند بررسی چگونگی و نوع کارکرد خانواده (وندروالک، اسپروجت، گادی، میوس و ماس؛ ۲۰۰۴) و صمیمیت زناشویی بعنوان یکی از عوامل مؤثر در تعارضات زناشویی که از مقدمات جدایی و طلاق هستند، ضروری به نظر می رسد؛ و پژوهش هایی که نشان می دهند بین کارکرد خانواده و صمیمیت زوجین رابطه وجود دارد و از آنجا که تاکنون پژوهشی با هدف تعیین اثربخشی الگوی کارکرد خانواده بر روابط زوجینی انجام نشده است؛ پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این سؤال که «آیا آموزش الگوی کارکرد خانواده (مک مستر) موجب افزایش صمیمیت زناشویی زوجین می شود؟» انجام شد.

روش پژوهش

روش تحقیق، جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

روش پژوهش نیمه تجربی از نوع طرح گروه کنترل نابرابر بود. بدین منظور از بین کلیه زوجین مراجعه کننده به کلینیک مددکاری اجتماعی ایران در سال ۹۳ (۱۰۰ زوج)؛ ۳۰ زوج که دارای شرایط مورد نظر پژوهشگر، از جمله:

- دامنه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال
 - طول مدت ازدواج، ۵ تا ۲۰ سال
 - حداقل تحصیلات دیپلم و بالاتر از دیپلم
 - وجود تعارضات مربوط به صمیمیت و سازگاری در روابط
 - عدم وجود اختلال شخصیتی و روانی
 - توانایی شرکت در جلسات و علاقمند به شرکت منظم در جلسات آموزشی.
- بودند با روش نمونه گیری با انتخاب و جایگزینی تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و بطور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. بدین صورت که، پس از بررسی پرونده زوجین مراجعه کننده به کلینیک و با توجه به ویژگی های مورد نظر پژوهشگر ۳۰ زوج بصورت تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند.

ابزار اندازه گیری

به منظور سنجش میزان اثربخشی آموزش الگوی کارکرد خانواده (مک مستر) بر صمیمیت زناشویی زوجین، از پرسش نامه صمیمیت زناشویی در سه مرحله، پیش آزمون، پس آزمون و آزمون پیگیری استفاده شد. این پرسشنامه توسط اولیاء، فاتحی زاده و بهرامی (۱۳۸۵) تهیه شده است و دارای ۸۵ سؤال و ۹ مقیاس: ۱) صمیمیت هیجانی (Emotional)، ۲) صمیمیت عقلانی (Intellectual)، ۳) صمیمیت جسمانی (Physical intimacy)، ۴) صمیمیت اجتماعی - تفریحی (Social and recreational)، ۵) صمیمیت ارتباطی (Relational intimacy)، ۶) صمیمیت معنوی (Spiritual intimacy)، ۷) صمیمیت روانشناختی (Psychological intimacy)، ۸) صمیمیت جنسی (Sexual intimacy) و ۹) صمیمیت کلی می شود. گزینه های پاسخگویی به سؤال های پرسشنامه بصورت ۵ گزینه ای بر اساس مقیاس لیکرتی از "همیشه" تا "هرگز" تنظیم شده است؛ و نمره هر فرد بوسیله جمع نمره گزاره ها بدست می آید. حداقل نمره در این آزمون ۸۵ و حداکثر ۳۴۰ می باشد و هر چه فرد نمره بالاتری کسب کند، نشانگر صمیمیت زناشویی بیشتر می باشد.

اولیاء و همکاران (۱۳۸۵) جهت بررسی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه، آن را بر روی ۳۰ نفر از والدین دانش آموزان یکی از دبستان های دخترانه شهر اصفهان انجام شده است. به منظور بررسی روایی همزمان پرسشنامه از مقیاس صمیمیت واکر و تامپسون ۱۹۸۳ استفاده گردیده و نتایج حاکی از همبستگی بین آزمون صمیمیت زناشویی اولیاء و مقیاس صمیمیت واکر و تامپسون برابر با $0/92(0/01 < P)$ گزارش شده است. جهت تعیین پایایی آزمون نیز از روش آلفای کرنباخ استفاده شده است که ضریب اعتبار آن از طریق محاسبه ضریب آلفا $98/58$ گزارش شده است (اولیاء، ۱۳۹۰).

روش اجرا

پس از انتخاب گروه نمونه و قرار گرفتن تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل، پرسشنامه های مورد نظر به عنوان پیش آزمون در مورد هر دو گروه آزمایش و کنترل اجرا شد؛ سپس آزمودنی های گروه آزمایش طی ۱۰ جلسه ۹۰-۱۲۰ دقیقه ای تحت تأثیر متغیر مستقل (الگوی کارکرد خانواده) قرار گرفتند. پس از پایان جلسات آموزشی و همچنین ۲ ماه پس از آن مجدداً هر دو گروه آزمایش و کنترل بوسیله پرسشنامه مورد نظر (با هدف اجرای پیش آزمون و آزمون پیگیری) مورد سنجش قرار گرفتند و در نهایت داده های به دست آمده از آزمون ها در هر دو گروه با استفاده از روش های آمار توصیفی و آزمون تحلیل واریانس با اندازه های مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

جدول ۱: اطلاعات توصیفی توزیع آزمودنی ها بر اساس طول مدت ازدواج (۵ - ۲۰ سال)

گروه						طول مدت ازدواج (بر حسب سال)
کل		گواه		آزمایش		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۷	۱۴	۴۰	۶	۵۳	۸	۵ - ۱۰
۳۰	۹	۳۳	۵	۲۷	۴	۱۰ - ۱۵
۲۳	۷	۲۷	۴	۲۰	۳	۱۵ - ۲۰
۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۵	کل

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می شود، در گروه آزمایش، افراد با طول مدت ازدواج ۵ تا ۱۰ سال بیشترین فراوانی را با حدود ۵۳٪ و افراد با طول مدت ازدواج ۱۵ تا ۲۰ سال کمترین فراوانی را با حدود ۲۰٪ نمونه به خود اختصاص داده اند. در گروه گواه نیز، افراد با طول مدت ازدواج ۵ تا ۱۰ سال

بیشترین فراوانی را با حدود ۴۰٪ و افراد با طول مدت ازدواج بالای ۱۵ سال کمترین فراوانی را با حدود ۲۷٪ نمونه به خود اختصاص داده اند.

جدول ۲: توزیع آزمودنی ها بر اساس سطح تحصیلات

گروه						سطح تحصیلات
کل		گواه		آزمایش		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳	۱	۶	۱	۰	۰	دیپلم
۲۳	۷	۲۷	۴	۲۰	۳	فوق دیپلم
۴۴	۱۳	۴۷	۷	۴۰	۶	لیسانس
۳۰	۹	۲۰	۳	۴۰	۶	فوق لیسانس
۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۱۵	کل

همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است، در گروه آزمایش افراد با تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس هر یک بیشترین فراوانی را با حدود ۴۰٪ و با تحصیلات دیپلم کمترین فراوانی را با صفر درصد نمونه به خود اختصاص داده و در گروه گواه، با تحصیلات لیسانس بیشترین فراوانی را با حدود ۴۷٪ و با تحصیلات دیپلم کمترین فراوانی را با حدود ۶٪ نمونه به خود اختصاص داده اند.

جدول ۳: خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به اثربخشی الگوی کارکرد خانواده (مک مستر) بر افزایش صمیمیت زناشویی

اندازه اثر	sig	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییر
۰/۷۸۸	۰/۰۰۰۱	۱۳۴/۵۷۹	۱۳۶/۲۸۳	۱	۹۲۷۵/۹۸۱	پس آزمون
			۹۲/۴۷۳	۲۷	۲۴۹۶/۷۸۳	خطا
				۳۰	۱۲۶۱۷۵	کل

نتایج جدول نشان می دهد که مقدار سطح معنادار F برابر با ۰/۰۰۰۱ است از مقدار ۰/۰۱ آلفا کوچکتر است. بنابراین می توان چنین نتیجه گیری کرد که پس از حذف تأثیر پیش آزمون، تفاوت

معناداری بین دو گروه کنترل و آزمایش در آزمون وجود دارد. به عبارت دیگر الگوی کارکرد خانواده(مک مستر) بر میزان افزایش صمیمیت زناشویی زوجین گروه آزمایش تأثیر داشته است. اندازه اثر (مجذور ایتای سهمی) نیز برابر با ۰/۷۸۸ یعنی آموزش الگوی کارکرد خانواده(مک مستر) می تواند ۷۹ درصد از واریانس پس آزمون صمیمیت زناشویی را به خود اختصاص دهد.

جدول ۴: خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس با اندازه گیری های مکرر

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	اندازه اثر
عمل آزمایشی (پیش آزمون، پس آزمون، پیگیری)	۱۰۹۸۲/۱۷۸	۱/۰۹۵	۱۰۰۲۵/۵۳۱	۷۷/۹۷۴**	۰/۸۴۸
باقی مانده	۱۹۷۱/۸۲۲	۱۵/۳۳۶	۱۲۸/۵۷۶		

** $P < ۰/۰۱$

با توجه به اینکه شاخص F محاسبه شده در سطح ۰/۰۱ معنادار است بنابراین بین میانگین های آزمودنی ها در سه نوبت اجرا تفاوت معنادار وجود دارد. تفاوت بین میانگین ها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: زیر گروه های همگن

زیر گروه (تفاوت میانگین ها)		تعداد	نوبت اجرای آزمون
۲	۱		
	۳۴/۳۳۳*	۲۰	پیش آزمون - پس آزمون
	۳۱/۸*	۲۰	پیش آزمون - پیگیری
۲/۵۳۳		۲۰	پس آزمون - پیگیری

* $P < ۰/۰۵$

با توجه به زیرگروه های استخراج شده، نتیجه می گیریم که میانگین نمره های آزمون بین دو نوبت اجرا(پس آزمون و پیگیری) پس از آموزش الگوی کارکرد خانواده(مک مستر) با یکدیگر تفاوت معنادار آماری ندارند ولی میانگین این دو نوبت اجرا بطور معناداری با میانگین نمره های پیش آزمون تفاوت آماری دارد. به عبارت دیگر میانگین نمره های پس آزمون و پیگیری به طور معناداری بیشتر از

نمره های پیش آزمون است؛ بدین معنا که آموزش الگوی کارکرد خانواده (مک مستر) باعث افزایش صمیمیت زناشویی می شود و این افزایش در طول زمان دارای پایداری اثر است.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی الگوی کارکرد خانواده (مک مستر) بر افزایش صمیمیت زناشویی زوجین انجام شد. نتایج به دست آمده از تحلیل داده های پژوهش نتایج نشان داد که پس از حذف تأثیر پیش آزمون، تفاوت معناداری بین دو گروه کنترل و آزمایش در آزمون وجود دارد. به عبارت دیگر آموزش الگوی کارکرد خانواده بر میزان افزایش صمیمیت زناشویی تأثیر داشته و موجب افزایش صمیمیت زناشویی زوجین در گروه آزمایش شده است؛ و این تأثیر در طول زمان دارای پایداری اثر است.

پژوهش های بسیاری به بررسی رابطه متغیرهای گوناگون با کارکرد خانواده و صمیمیت زناشویی پرداخته اند؛ اما تاکنون پژوهشی که به صورت مستقیم اثربخشی آموزش الگوی کارکرد خانواده (مک مستر) را بر صمیمیت زناشویی زوجین و سایر متغیرها مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده است. با این حال نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر اثربخش بودن آموزش الگوی کارکرد خانواده (مک مستر) بر متغیر مذکور (صمیمیت زناشویی) با نتایج سایر تحقیقات همچون پژوهش موسوی (۲۰۱۵)، موسوی (۱۳۹۲)، میرزایی (۱۳۸۹)، بابازاده (۱۳۹۱)، همچنین پژوهش های کال و همکاران (۲۰۱۰)، جویس و همکاران (۲۰۰۹)؛ لیان و یوسف (۲۰۰۹)؛ که هر یک نشان دادند بین کارکرد خانواده و صمیمیت زوجین رابطه معناداری وجود دارد، همسو است. بنابراین با توجه به نتایج پژوهش های فوق که نشان می دهند بین کارکرد خانواده و صمیمیت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین نتیجه حاصل از بررسی سؤال پژوهش، اینگونه به نظر می رسد که آموزش الگوی کارکرد خانواده می تواند موجب افزایش صمیمیت میان زوجین گردد. با داشتن کارکرد مناسب در خانواده و به دنبال آن کسب آرامش و مثبت بودن احساسات، نگرانی ها و دلمشغولی های زوجین نسبت به رابطه شان کاهش می یابد و در نتیجه موجب افزایش روابط صمیمانه میان آن ها می شود.

در تبیین یافته های به دست آمده از پژوهش حاضر میتوان گفت، همانگونه که در تعاریف متعدد از کارکرد خانواده بیان شده است، توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل تعارض ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده (پورترس و هاول، Portes & Hovel، ۱۹۹۲)؛ به نقل از مجرد کاهانی و قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۰). یا به عبارتی

دیگر، کارکرد خانواده بازتاب انعطاف پذیری و بقای مرزها، الگوهای ارتباطی، تجربه خانواده اصلی و بافت فعلی از جمله جهت گیری های فرهنگی و ارزشی خانواده است؛ و کارکرد انطباقی خانواده شامل ارتباط خوب میان اعضای خانواده و سطوح پایین تعارض خانوادگی است (تاملیسون (Tamlison)، ۲۰۰۲؛ ترجمه بهاری و هرسینی، ۱۳۸۴). کارآمدی زوجین در ابعاد گوناگون خانوادگی چون حل مسأله، برقراری روابط بهنجار، مبادله صریح عواطف، تعیین، تخصیص و توافق بر روی نقش های محوله، ارضای نیازهای عاطفی و نگرانی اعضای خانواده برای یکدیگر، نظارت و کنترل بر رفتارهای عضو، همگی نیازمند جوی صمیمی و عاری از تهدید و وجود توافق و هماهنگی طرفین مبادله در مورد موضوعات یاد شده می باشد، امری که خود منجر به کارآمدی بیش تر خانواده در ابعاد مختلف زندگی شده، موجد چرخه ای بهنجار و تعالی دهنده در مسیر رشد و تکامل خانواده است و در نهایت موجب افزایش صمیمیت میان زوجین و اعضای خانواده می شود (موسوی، ۲۰۱۵).

پژوهش حاضر نیز همچون سایر پژوهش های علوم انسانی، با محدودیت هایی روبرو بود از جمله اینکه در نظر گرفتن شرایط خاص (حداقل تحصیلات، سن، و...) در انتخاب گروه نمونه، و همچنین محدود بودن جامعه آماری به یک شهر، منطقه و کلینیک مشاوره امکان تعمیم نتایج را محدود می سازد. لذا پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی با معیارهای ورود به پژوهش متفاوت انجام شود. پیشنهاد می شود برای نمونه هایی با حجم بیشتر و در قشرها و شهرهای دیگر انجام شود تا امکان تعمیم نتایج بیشتر شود. همچنین پیشنهاد می شود چنین پژوهش هایی در یک فرآیند طولانی مدت انجام شود و رضایت دو گروه آزمایش و کنترل در این مدت مورد مقایسه قرار گیرد. به مشاوران و زوج درمانگران پیشنهاد می شود با برپایی نشست های تخصصی به ارائه راهکارهایی در جهت تقویت کارکرد خانواده، صمیمیت و رضایت زوجین دست یابند و آن راهکارها را برای مراجعان دارای کارکرد ضعیف، به کار گیرند. همچنین با برگزاری کارگاه های آموزشی برای زوجین، ضمن روشن ساختن نقش کارکرد خانواده در صمیمت زناشویی زوجین، برای رفع مشکلات ناشی از کارکرد خانواده اقدام نمود.

منابع

۱. ابراهیمی بیشه، لیلا. (۱۳۸۸). رابطه ترس از صمیمیت با نوع دلبستگی و سازگاری زناشویی در زنان در آستانه طلاق و زنان عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۲. اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۶). بررسی و مقایسه اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر شناختی- رفتاری و ارتباط درمانی بر افزایش صمیمیت زوجین. رساله دکتری، رشته مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.
۳. اولیاء، نرگس. فاتحی زاده، مریم. بهرامی، مریم. (۱۳۹۰). آموزش غنی سازی زندگی زناشویی. تهران: دانژه.
۴. بابازاده، رحمان. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده و رضایت زناشویی در بین دانشجویان و کارکنان متأهل دانشجویان دانشگاه های شهرستان ساوجبلاغ. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد ابهر.
۵. تامیلسون، باربارا. (۱۳۸۴). راهنمای سنجش خانواده/راهنمای عملی مقدماتی سنجش و مداخله در خانواده. مترجم: فرشاد بهاری و سید اسماعیل مهدوی هرسینی. تهران: تزکیه.
۶. ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز؛ عسکریان، مهناز. (۱۳۸۹). آزمونهای روانشناختی. تهران: ویرایش.
۷. ریان، کریستین ای؛ اپستین، ناتان بی؛ کیتز، گابور ای؛ میلر، ایوان دبلیو؛ بیشاپ، دوآن اس. (۱۳۹۰). خانواده درمانی: ارزیابی و درمان خانواده ها- رویکرد مک مستر. ترجمه: محسن دهقانی و مریم عباسی. تهران: رشد.
۸. عضوخوبان، مهرناز. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر رضایت زناشویی زنان زیر ۴۰ سال. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات خوزستان.

۹. فریور، میرعمادالدین. (۱۳۹۱). معجزه آگاهی در زندگی زناشویی / نگاهی نو به دنیای زنان و مردان. تهران: فریور.
۱۰. قمری، محمد؛ خوشنام، امیرحسین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه کارکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان. خانواده پژوهی، ۷(۲۷)؛ ۳۴۳-۳۵۴.
۱۱. مجرد کاهانی، امیرحسین؛ قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی. (۱۳۹۰). ارزیابی اثربخشی مداخلات آموزشی روانی گروهی بر عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلالات خلقی. مشاوره و رواندرمانی خانواده، ۱(۳)، ۳۹۹-۴۱۲.
۱۲. مسموعی، راضیه؛ معین، لادن؛ غیاثی، پروین. (۱۳۹۰). رابطه سخت رویی روانشناختی با سازگاری زناشویی. جامعه شناسی زنان، ۲(۴)، ۱۸۹-۱۶۳.
۱۳. موسوی، فاطمه. (۱۳۹۲). نقش عملکرد خانواده- مبتنی بر الگوی مک مستر- در پیش بینی نگرش های صمیمانه و توافق زوجین در خانواده های شهر قزوین. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱(۱۰)، ۴۱۸-۴۰۱.
۱۴. هالفورد، کیم. (۱۳۸۴). زوج درمانی کوتاه مدت (یاری به زوج برای کمک به خودشان). ترجمه مصطفی تبریزی، تهران: فراروان.

منابع انگلیسی

1. Coll, K.M., Powell, S., Thobro, P., & Haas, R.(2010).Functioning and the Development of Trust and Intimacy Among Adolrscents in Residential Treatment. *Family Journal*, published by SAGE. DOI: 10.1177/1066480710372082.
2. Harway, M.(2005).*Handbook of Couples therapy*. Canada:Wiley
3. Joyce. L.C., Ma Timothy K.Y., & Wong, Y.K.L.(2009).Sex differences in perceived family functioning and family resources in Hong Kong families: Implications for social work practice. *Asian Social Work and Policy Review*, 3(3), 155-174
4. Lian, C.T., & Yusooff,F.(2009). The Effects of Family Functioning on Self-Esteem of Children. *European Journal of Social Science*,9(4), 643-650.

5. Moosavi,S.F.(2015). The Comparison of Family Functioning, Marital Ajustment and Intimacy In Middle aged and Young Spouses. *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, 3(10), 2015-2021.
 6. Vandervalk,I.; Spruijt, E.D.; Goede,M.D.; Meeus, W.; & Mass, C.(2004). Marital Status, Marital Process, and Parental Resources in Predicting Adolescents Emotional Adjustment: A Multilevel Analysis. *Journal of Family issues*, 25(3), 291-317.
- Waring, E.M.(2013).*Enhancing Marital Intimacy Through Facilitating Cognitive Self Disclosure*. Routledge.

